

متن پرسش

باسلام ۱. به نظر شما یکطلبه بعد از چه مدت درس خواندن باید ملبس شود و چه وقت تبلیغ را شروع کند؟ ۲- آیا ازدواج برای طلاب باید در چه سنی باشد؟ ۳- ملاک عنوان آیت الله گفتن به اشخاص چیست؟ ۴. با اینکه در روایات توصیه‌های به خواندن فلسفه نشده چرا ما باید فلسفه را بخوانیم؟ ۵. شروع سیرمطالعاتی شما از چه سن و با چه میزانسواد می‌باشد؟ ۶. در پاسخ یکی از سؤالات فرموده بودید فلسفه خواندن را زود شروع نکنید بلکه بعد از مدتی که در حوزه بودید شروع کنید ولی در برخی کتابهای شما در پاورقی توصیه شده به کتاب معرفت‌النفس والحشر رجوع شود آیا فهماین کتاب کار هرکسیاست و شروع آن برای چه سن و سالی و با چه مدرکی می باشد؟ ۷. آیا ما مجاز هستیم به آن دسته از افرادی که فلسفه و عرفان را قبول ندارند اهانت کنیم؟ در بعضی از آثار علامه طهرانی دیده می شود که به برخی از افراد ایشان مثلا گفته اند چیزی از فلان مطلب نفهمیده یا الفاظ دیگری گفته شده دلیل اینگونه برخوردها چه بوده؟

متن پاسخ

باسمه تعالی؛ علیکم السلام: ۱- ظاهرا در سؤالتان اصل معمم شدن یک طلبه را لازم گرفته اید که به نظر می رسد کلام صحیحی است به این معنی که اگر طلبه ای با مشکل خاصی مواجه نیست، بنا را بایستی بر این بگذارد که پس از مدتی ملبس گردد چرا که مدتی از سرمایه های مادی، علمی و معنوی حوزه استفاده کرده و به جاست به عنوان ثمره ای از حوزه، بین مخاطبین حوزه ظاهر گردد. البته این که آن مدّت زمان چه مقدار است، به نظر می رسد به دست آوردن چند امر قبل از ملبس شدن لازم است که عبارت باشد از یک: از جهت اخلاق شخصی و اجتماعی در حدّ مطلوبی باشد. دو: از جهت علمی اولاً: بتواند به سؤالات فقهی شایع مردم - با توجه به آگاهی اجمالی به اختلاف فتاوی و اطلاعی اجمالی و کوتاه از مبانی احکام (در حدّ کتب نیمه استدلالی مثل شرح لمعه) - پاسخ دهد. ثانیاً: نسبت به سؤالات متداول کلامی و اعتقادی و اخلاقی و تاریخی و ... و جواب آن ها بیگانه نباشد. ثالثاً: توانایی مراجعه به منابع مثل قرآن، کتب روایی و تفسیری را داشته باشد. سه: همچنین از آن جهت که محل مراجعه قرار می گیرد از امور اجتماعی و سیاسی آگاهی - حتی به صورت اجمالی - داشته باشد. در صورتی که این امور را در خود مشاهده نمود، به نظر می رسد زمان مناسبی برای معمم شدن می باشد. همچنین باید توجه داشت که ملبس شدن را بایستی از زمان مناسب خود به تأخیر انداخت چرا که چه بسا منشأ وسوس شیطانی شده و به بهانه های مختلف بدون توجه به سرمایه هایی که حوزه

برای این شخص نموده موجب دوری از حوزه می گردد. البته ممکن است شرایط هر شخصی با اشخاص دیگر متفاوت باشد. و اما در مورد تبلیغ، همان طور که مشخص است، به خاطر مخاطب خاص و موقت بودن در امر لباس پوشیدن، مسأله، ساده تر از ملبّس شدن دائمی است و شخص با کسب و احراز حدّ اقل هایی از اموری که قبلاً اشاره شد - مناسب با محل تبلیغ - می تواند به امر تبلیغ بپردازد. ۲- در مورد ازدواج باید گفت با توجه به این که وظیفه ی عالم شدن طلاب از اهمّ وظایف ایشان است و دوران مجرّدی غالباً فضای مناسب تری جهت تحصیل فراهم می کند، بهتر است همان طور که مرحوم شهید ثانی فرموده، طلاب علوم دینی ازدواج را به تأخیر بیاندازند. البته بدون شک این تأخیر در صورتی است که بحث وجوب شرعی اقدام به ازدواج در بین نباشد. ۳- ملاک اطلاق عنوان «آیت الله» به یک شخص، پس از آن است که وی، با تلاش فراوان توانایی استنباط احکام را از منابع، به صورت ملکه به دست آورده باشد البته چه بسا شخصی این توانایی را یافته باشد ولی در السنه به او «آیت الله» گفته نشود. به هر حال این ها عناوین و نام گذاری هایی است که ملقب نمودن و یا ملقب نمودن یک شخص به این القاب اضافه و یا کاستی در پی ندارد. ۴- فلسفه مثل علم اصول که قواعد تفکر در اصول عملیه است، قواعد تفکر در اعتقادات و هستی شناسی است و به همین جهت بزرگان دین از جمله حضرت امام و مقام معظم رهبری بر آن تأکید دارند ۵- عموماً بعضی کتاب ها مثل «جوان و انتخاب بزرگ» را افراد از دوره ی راهنمایی نیز می توانند شروع کنند و کتاب هایی مثل «ده نکته» و «آشتی با خدا» را از دوره ی دبیرستان. ۶- پاورقی ها به آن معنا است که اگر کسی در شرایط مناسب خواست به موضوع مطرح شده با تفصیل بیشتر مراجعه کند باید به آن کتاب ها مراجعه نماید ولی به معنای آن نیست که الزاماً در حین خواندن همان کتاب به کتابی که در پاورقی معرفی شده است باید رجوع نماید. ۷- به هر صورت ما هرگز به کسی که فلسفه را قبول ندارد نباید هیچ توهینی بشود ولی اگر منتقدین فلسفه بدون این که معنا و مقصود فیلسوف را بفهمند انتقاد نمایند معلوم است که می توان گفت منتقد مطلب را نفهمیده ولی این توهین به شخص منتقد نیست. موفق باشید